

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فریبرز سنجری
۱۷ می ۲۰۱۸

توضیح پیام فدائی: آن چه در زیر می آید متن مصاحبه ای ست که در جریان خیزش توده ای ماه های اخیر توسط کانال "بذرهای ماندگار" با رفیق فریبرز سنجری صورت گرفته است و در جریان آن رفیق سنجری با بررسی جوانب مختلف "طرح رفراندوم" اهداف و ماهیت ضد مردمی آن را به معرض قضاوت می گذارد. علاقه مندان می توانند از طریق لینک زیر به این مصاحبه دسترسی پیدا کنند:

<https://www.youtube.com/watch?v=9btCDSSwzEs>

"رفراندوم" طرحی برای مقابله با انقلاب توده ها

پرسشگر کانال تلگرام بذرهای ماندگار: با درود به شنوندگان گرامی در کانال بذرهای ماندگار، با توجه به بالا گرفتن بحث رفراندوم به عنوان راه حلی برای گذر از بحرانهایی که جمهوری اسلامی را فرا گرفته است بر آن شدیم تا پرسش هایی را که در این زمینه از سوی برخی نیروها مطرح می شوند را با رفیق فریبرز سنجری در میان بگذاریم و موضع چریکهای فدائی خلق ایران را در این مورد جویا بشویم.

پرسشگر: رفیق سنجری، با درود و تشکر از شما که پاسخگویی به پرسش های ما را تقبل کردید. بگذارید گفتگویمان را با این پرسش شروع کنیم که علت طرح این رفراندوم چیست؟ می دانید که جدا از معترضین به جمهوری اسلامی و نامه ای که اخیرا با امضای ۱۵ فعال سیاسی در باره رفراندوم منتشر شد، با ادعای به اصطلاح "گذار مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی به دموکراسی سکولار پارلمانی"، اخیرا حسن روحانی رئیس جمهور هم از همه پرسشی به عنوان راهی برای حل اختلاف بین جناح های سیاسی نام برد و گفت: "جناح های سیاسی برای حل اختلاف هایشان به همه پرسی و صندوق رأی مراجعه کنند". واقعا چی شده که اینها دو باره یاد رفراندوم افتاده اند؟ و همانطور که در اول سؤال کردم علت طرح رفراندوم در شرایط کنونی چی هست؟

فریبرز سنجری: با درود به شما و شنوندگان این گفتگو در کانال بذرهای ماندگار و به امید اینکه این گفتگو کمک کند به روشن شدن هر چه بیشتر مسأله رفراندوم که این روزها هم موضوعی شده برای به صحنه آمدن و قلم فرسایی

اصلاح طلبان رنگارنگی که در شرایطی که مردم مبارز ما آنها را از در بیرون کردند ، حالا در تلاش اند تا دوباره از پنجره وارد صحنه بشوند و به وظیفه همیشگی شان که همانا فریب مردم ، ادامه بدهند.

در رابطه با این سؤال که علت طرح رفراندوم چیست و چرا این روز ها عده ای به یاد رفراندوم افتاده اند باید بگویم که اگر ما به صحنه سیاسی جامعه نگاه کنیم و اگر خیزش بزرگ مردمی دی ماه را در نظر بگیریم که ورشکستگی جمهوری اسلامی را به آشکاری در مقابل چشم همگان به نمایش گذاشت و سلطه این دیکتاتوری عریان را به لرزه انداخت ، علت طرح این مسأله فوراً برایمان آشکار می شه.

واقعیت اینه که خیزش مردمی دی ماه یکی از دلایل اصلی طرح این مسأله است. چرا که در این خیزش مردم با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر خامنه ای و روحانی وارد صحنه شدند، وارد خیابان شدند و به همه هم نشان دادند که مردم گرسنه و بیکار بپاخاستن ، مردمی که محروم ترین بخش های جامعه بودند و همانطور که گفتیم نشان دادند که به کمتر از سرنگونی جمهوری اسلامی هم راضی نیستند و باز هم به درستی نشان دادند که می دانند که این رژیم را جز با قهر انقلابی نمی شه به زیر کشید. یک رژیم دار و شکنجه ای که مانع اصلی رسیدن مردم ما به مطالبات بر حق شان می باشد. خوب در چنین شرایطی که مردم فریاد می زنند "به جنگ تا بکنیم" و پاسخ آتش ارتجاع حاکم را با آتش می دهند و یا فریاد زدند "اصلاح طلب ، اصولگرا ، دیگه تمامه ماجرا" یا به زبان دیگه ای "مرگ بر همه تان" این شعار ها و این فریاد ها آگاهی و خشم و نفرت آنها را نشان می دهد از گفتمان فریبکارانه اصلاح طلبی و سیاستهای نیرو های اصلاح طلب جمهوری اسلامی که طرح مسأله رفراندوم هم از سوی برخی از این گرایشها یک تلاش آگاهانه است برای اینکه به توده هایی که از سلطه جمهوری اسلامی جانشان به لب رسیده امید بدهند که امکان درست شدن اوضاع و اصلاح جمهوری اسلامی از درون هنوز وجود دارد و می شه به جای تظاهرات در خیابان و آتش و اعمال قهر به صندوق رای متکی شد. خوب بعضی ها به بهانه گذار مسالمت آمیز این راه را پیشنهاد می کنند و خوب بعضی ها هم به دلایل دیگه ای که بعد به آنها می پردازیم. البته روشنه که این فریبکاری ها تنها برای این است که آبی بر آتش خشم مردم ریخته بشه که این خشم و این آتش را در خیزش دی ماه بروشنی نشان دادند و آنها را سمت بدهند به سوی صندوق های رای. خوب هر کسی هم که البته سیاستهای رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی را در این سالهای طولانی تجربه کرده باشد ، می داند که صندوق رای در جمهوری اسلامی جز جعبه مارگری نیست که اون جادوگر پیر ، هر کس را که مایل به نام رای مردم از آن در می آورد و سپس اراده خودش را به نام اراده مردم بر سر همین مردم می کوبد. فکر نمی کنم که کسی فراموش کرده باشد که همین جمهوری اسلامی از طریق یک رفراندوم رسماً پا گرفت و خمینی هم تا مدتها مدعی بود که ۹۸ درصد به جمهوری اسلامی رای دادند و کاملاً به خاطر دارم که حزب الله ای های طرفدارش هم در خیابانها در جریان حمله به نیرو های سیاسی فریاد می زدند که یک درصدی حق نظر ندارد. یا کسی که رای نداده حق نظر ندارد. یعنی کسانی که در رفراندوم شرکت نکردند و یا رای مثبت نداده اند حق نظر هم ندارند. بنابراین با چنین سابقه ای و با توجه به ماهیت سرکوبگر جمهوری اسلامی این طرح ها را باید یک تلاشی در جهت نجات جمهوری اسلامی از زیر ضرب خیزش مردمی و برای انحراف مبارزات آتشین مردم به سوی مبارزات مسالمت آمیز که البته در شرایط دیکتاتوری جمهوری اسلامی هم جواب نمی دهد، دید.

پرسش: رفیق ، برخی از مدافعین رفراندوم از این روش به عنوان روشی دمکراتیک برای حل و فصل اختلافات یا تغییر رژیم اسم می برند. آیا چنین امری اساساً در جمهوری اسلامی عملی هست؟ در این مورد چه نظری دارید؟

پاسخ: بگذارید قبل از هر چیز تاکید کنم که رفراندم یعنی مراجعه به آرای مردم ، برای فهمیدن اراده آزاد توده ها در مورد یک مسأله مشخص. امری که علی الاصول روشی دموکراتیکه. خوب روشنه که روش دموکراتیک هم البته به شرایط دموکراتیک نیاز دارد. و گرنه فاقد هر گونه ارزشی خواهد شد ، در یک شرایط غیر دموکراتیک اصولا روش دموکراتیک هم معنای خودش را از دست می دهد. در شرایط فقدان شرایط دموکراتیک همه پرسی به یک وسیله ای در دست زورگویان و قلدر ها بدل می شه که حرف و سیاست خودشون را به نام اراده مردم بر مردم غالب کنند. در پاسخ قبلی توضیح دادم که چگونه خمینی و دار و دسته مزدورش جمهوری اسلامی را با رفراندم ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۸ به نام خواست مردم بر مردم تحمیل کردند. و جالبه که امروز هم روحانی مدعی است که در آن رفراندم جمهوری اسلامی به طور واقع ۹۸ درصد رای آورده و اگر امروز هم دوباره رای گیری بشود باز هم همان تعداد رای خواهد آورد. بعد نمی گوید که ما این آمار را می سازیم و بعد هم اون را اعلام می کنیم.

بنابراین برای مردمی که یک چنین تجربه ای را در حافظه تاریخی خودشون دارند ، نه نفس رفراندم ، بلکه مهمتر از آن اینکه این رفراندم در چه شرایطی و به وسیله چه نیروئی قرار است برگزار بشود و چه مسأله ای را قراره با مراجعه به آرای عمومی روشن بکنند.

برای اینکه این مسأله روشنتر بشه ، بیائید همین پیشنهاد همه پرسی روحانی را در نظر بگیریم. روحانی می گوید برای "حفظ نظام ، انقلاب و کشور" ضروری است که: "جناح های سیاسی برای حل اختلاف هایشان به همه پرسی و صندوق رأی مراجعه کنند". خوب در شرایطی که مردم در خیابانها فریاد می زنند، ما جمهوری اسلامی نمی خواهیم و با حمله به مراکز سرکوب این رژیم آنها را به آتش می کشند ، این مزدور که از طرف مردم مبارز ما به قهرمان اعدام مشهور شده و لقب گرفته ، حالا در تلاش برای حفظ همین جمهوری اسلامی جناح های درونی آن را به تبعیت از صندوق رای راضی کند و این خواست را هم با روشنی بیان کرده و تلاشی هم برای لاپوشانیش نمی کند. خوب در نتیجه این هم هیچ ربطی به مسائل مردم ، مطالبات مردم و خواسته های اون ها ندارد و امریست که در رابطه با تضاد های درونی جناح های طبقه حاکمه و برای حفظ جمهوری اسلامی است.

روشن هم هست که یک چنین رفراندمی فقط به نفع رژیم ستمگر حاکمه و هیچ تحولی هم به نفع مردم ستم دیده را سبب نمی شود. هدف و نیروی برگزار کننده چنین همه پرسی ای هم از پیش روشنه. این شیادان حاکم همانطور که تاکنون در جریان مضحکه های انتخاباتی خودشون نشان داده اند می خواهند با چنین ادعا هائی مردم را فریب بدهند و برای حفظ موجودیت خودشون ، زمان بخرند. به خصوص که روحانی می داند که همه پرسی در جمهوری اسلامی و بر اساس ماده ۵۹ قانون اساسی که او خودش روی اون تاکید می کند و به اون اشاره می کنه ، اولاً به موافقت رهبر و دو سوم نمایندگان مجلس و شورای نگهبان احتیاج دارد ، یعنی عملاً یک پیشنهاد فاقد ارزشیه. همانطور که در دوره خاتمی هم همه یادشونه که بحث رفراندم را مطرح کرد و هیچوقت هم نتوانست اون را عملی کنه.

یا در مورد این بیانیه ۱۵ فعال سیاسی که مدعی شده اند برای "گذار مسالمت آمیز" از جمهوری اسلامی به یک "دموکراسی سکولار پارلمانی" خواهان رفراندم هستند باید بگویم که اولاً آنها نگفته اند که چه نیروئی قراره این رفراندم را برگزار کند. گرچه آنها تاکید کرده اند که این رفراندم باید زیر نظر سازمان ملل صورت بگیرد. اما خود همین امر نشان می دهد که برگزار کننده همه پرسی منطقاً باید جمهوری اسلامی باشد. خوب جمهوری اسلامی هیچ گاه حاضر نمی شه ، تن به چنین رفراندمی بدهد که جهت نابودی خودش باشد. یعنی جمهوری اسلامی برود و یک دموکراسی سکولار پارلمانی به جاش بنشینه. خوب اگر برگزار کننده همه پرسی جمهوری اسلامی باشد ، خوب از طرف دیگه اگر فکر کنیم که این برگزار کننده همین جمهوری اسلامی. خوب این رژیم که در ۳۹ سال گذشته ، ده ها

انتخابات و مراجعه به آرای عمومی برگزار کرده که یکی از اون یکی ، تقلب آمیز تر بوده است. در مورد نظارت سازمان ملل هم مردم را نباید فریب داد این سازمان تحت نفوذ قدرتهای امپریالیستی است و در واقع خط آنها را پیش می برد و در مورد همین عربستان (سعودی) هم کسانی که اخبار را دنبال کرده باشند می دانند که رژیمی که در وحشیگری هایش علیه مردم عربستان شکی وجود ندارد در همین سازمان ملل به خاطر نفوذ قدرت های جهانی و کمک های مالی اش به سازمان ملل ، اون را در کمبته دفاع از حقوق بشر قرار داده بودند. امری که خودش باعث خنده حامیان این نهاد به قول معروف بین المللی شده بود. برای جمهوری اسلامی هم اگر قرار باشه که سازمان ملل را پایش را وسط بکشیم و اونا را ناظر یک چنین همه پرسی بکنیم ، با امکانات دولتی که جمهوری اسلامی داره ، براش زیاد سخت نیست که نظرات اونها را در جهت منافع خودش کانالیزه کنه. بنابراین با تاکید باید بگویم که در زیر سلطه جمهوری اسلامی ، صندوق رای و همه پرسی اساسا معنا ندارد و اگر روزی و روزگاری هم این رژیم به چنین خواستی گردن بگذارد ، معنایش این است که کارگران و ستمدیدگان کشور م آن چنان این را تحت فشار گذاشته اند با مبارزات خودشون که مرگ خودش را جلوی چشمش می بیند. خوب در چنین صورتی هم دیگه نیازی به همه پرسی وجود ندارد. در شرایطی که مردم رایشان را در خیابانها و با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و آتش زدن بنیان های سلطه این دیکتاتوری دارند می دهند ، خوب این مبارزه را تا نابودی این رژیم هم ادامه خواهند داد. چون در چنین شرایطی که جمهوری اسلامی به قول معروف صدای انقلاب مردم را بشنود دیگر مثل تجربه رژیم گذشته ، دیگر راه چندان برای پیروزی باقی نمانده است.

پرسش: بخشی از مبلغین رفراندوم، آن را تنها راه برای تغییر شرایط کنونی، بدون خونریزی و با هزینه کم قلمداد می کنند. از نظر شما چه ایرادی به این نظر وجود دارد؟

پاسخ: این که مردم ما بتوانند بدون خونریزی و با هزینه کم از شر جمهوری اسلامی خلاص بشوند یک آرزوی خوب و شیرینه. من هم به شخصه آرزو می کنم که چنین بشود. اما در سیاست بین آرزو و واقعیات سر سخت زمینی ، شکاف بزرگی وجود دارد. نگاهی به تاریخ جمهوری اسلامی و کشتار های بی حسابش به هر کسی فوراً نشان می دهد که با رژیمی که زبانی جز زبان زور نمی شناسد و جز با زور با مردم سخن نمی گوید طرف هستند که در نتیجه نمی شه باش با مسالمت صحبت کرد و با روشهای مسالمت آمیز انتظار پیروزی داشت. واقعیت این است که اشکال مبارزه را تا حد زیادی دشمن به انقلابیون و به نیرو های مبارز تحمیل می کند. در جریان همین خیزش دی ماه در مقابل گلوله های مزدوران جمهوری اسلامی این مردمی که سینه سپر کردند و مزدوران جمهوری اسلامی خونشان را به زمین ریختند که خشونت طلب نبودند. آنها به خیابان آمده بودند تا کار و نان و آزادی را طلب کنند ، اما با نیروی سرکوب هار و مسلح جمهوری اسلامی مواجه شدند و اون ها هم بسوی مردم تیراندازی کردند و تعداد زیادی را کشتند و به لیست شهدای انقلاب مردم ما اضافه کردند. واقعیت اینه که دیکتاتوری جمهوری اسلامی همه راه های مسالمت آمیز را بسته و راهی جز اعمال قهر انقلابی و مبارزه مسلحانه مقابل کارگران و ستمدیدگان نگذاشته است. و این رو ما در دورد، قهدریجان، ایدز، شاهین شهر ، اهواز و دهها شهر دیگه که شاهد بودیم که مردم چگونه با نیرو های سرکوب جمهوری اسلامی گلاویز شدند و مراکز سرکوب را به آتش کشیدند.

بنابراین نباید کارگران و جوانان را در شرایط سلطه دیکتاتوری عنان گسیخته جمهوری اسلامی که به سرنیزه متکی است ، نسبت به ماهیت رژیم و عملکرد وحشیانه آن دچار توهم کرد. مردم باید بدانند و به باور من به درستی هم می دانند که با جمهوری اسلامی و دار و دسته خامنه ای و روحانی و جنتی که جز با زبان زور به هیچ زبان دیگری سخن

نمی گویند ، تنها با زور می شه حرف زد. اتفاقا این روش برای نابودی جمهوری اسلامی کم هزینه ترین روشهاست. چون ما با رژیم طرف هستیم که روزانه دارد از مردم می کشد. چه در زندانهایش با شکنجه و اون خودکشی هائی که اعلام می کنه و چه با فقر و فلاکتی که در جامعه حاکم کرده و با دزدی های میلیاردیش هم مردم را در فقر و فلاکت رها کردند. آیا مرگ کارگران بر اثر سوانح حین کار، به خاطر اینکه سرمایه دار ها حاضر نیستند هزینه ایمنی کار را بپردازند. یا مرگ کارتون خوابها بر اثر سرما در خیابانها یا مرگ زلزله زدگان در همین زلزله کرمانشاه به خاطر عدم دسترسی به چادر و یک پناهگاه مطمئن در سرمای زمستان و یا دهها و صد ها مورد دیگر. در نتیجه اگر همه این هزینه ها را در نظر بگیریم مبارزه قهر آمیز با جمهوری اسلامی و انقلاب برای نابودی اون ، اتفاقا در عمل یکی از کم هزینه ترین روشها برای رسیدن به پیروزیه.

پرسش: هر چند که در پاسخ قبلی به ما به این موضوع اشاره کردید، ولی به طور مشخص، آلترناتیو درست و انقلابی در مقابل رفتارندوم چه می تواند باشد؟

پاسخ: به نظر من اگر ما به زمینه های مادی خیزش دی ماه (۱۳۹۶) نگاه کنیم و اگر ما به ۳۹ سال گذشته و سرکوبگری های جمهوری اسلامی نگاه کنیم که هیچ گونه شرایط دمکراتیکی را بر نمی تابه و با سرکوب و جنایت و کشتار با شکنجه و اعدام ، سلطه خودش را دارد بر مردم تحمیل می کند ، اون موقع روشن می توانیم بفهمیم که با همه پرسى و از طریق صندوق رای نمی شه این ستمگران حاکم را به زیر کشید. این رژیم با سرکوب وحشیانه توده ها ، هر صدای مخالفی را در گلو خفه کرده و راهی جز مبارزه قهر آمیز و مسلحانه مقابل مردم قرار نداده است. باید به این تجربه توجه کرد و خودمان را و به خصوص مردم و کارگر ها باید خودشون را برای یک مبارزه قهر آمیز و مسلحانه آماده کنند. باید بدانند که بدون یک مبارزه رو در رو و قهر آمیز با جمهوری اسلامی اساسا بحثی هم از رسیدن به مطالبات و خلاصی از شر جمهوری اسلامی وجود ندارد. به باور من خود زندگی امر انقلاب را در مقابل راه های سترونی که از سوی سازشکاران تبلیغ می شه ، در مقابل ما قرار داده است. انقلابی که هر چه توده ای تر و عمیق تر و رادیکال تر باشد ، با هزینه کمتری مردم ما را بسوی پیروزی رهنمون خواهد کرد. نباید فریب روشها و راه های اصلاح طلبان حکومتی را خورد اینها خودشان هم بار ها گفته اند که کارشان حفظ نظام ظالمانه حاکم و رژیم جنایتکار حافظ آن می باشد. و نقش شون در واقع یک پلی است که بین مردم و بیت رهبری تا جنایتکاران داخل اون بیت رو برای مردم قابل تحمل کنند.

بنابراین کارگران و مردم رنج دیده ما و جوانان مبارز ما باید خودشون را برای انقلابی که دیر یا زود شعله هاش جمهوری اسلامی را به آتش خواهد کشید ، آماده کنند. ما مدافع انقلاب برای نابودی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری وابسته هستیم و این انقلاب هم بدون رهبری طبقه کارگر به پیروزی نخواهد رسید. در نتیجه تاکید باید بکنیم و تاکید داریم بر تلاش برای سازمان یابی طبقه کارگر برای این که بتواند رهبریش را بر این انقلاب اعمال کنه و این تنها راه رسیدن به آزادیه.

پرسش: با تشکر از شما اگر برای تکمیل این بحث مطلب دیگری لازم هست ، بفرمائید؟

پاسخ: در پایان این بحث من مایلم تاکید کنم که خیزش قهرمانانه دی ماه سال ۹۶ ، غرش رعد در آسمان بی ابر نبود. این خیزش حاصل سالها مبارزه روزمره و رو در روی کارگران و ستمدیدگان با رژیمی بود که با همه وجود علیه مردم است. فعال مایشائی ولی فقیه و سربازان گمنان امام زمانش بر کسی پوشیده نیست. این دار و دسته مزدور در ۳۹

سال گذشته از هیچ جنایتی در حق مردم ما دریغ نکردند. از کشتار خلق گُرد و تُرکمن و عرب تا سرکوب وحشیانه ماهیگیران بندر انزلی و کارگران بیکار از تحمیل حجاب اجباری و نقض آزادی پوشش زنان تا سرکوب سازمانهای سیاسی و کشتار زندانیان سیاسی، خلاصه در این فاصله طولانی روزی نبوده که اون ها عزیزی را از مردم ما نگرفته باشند. لیست شهدای انقلاب ما و لیست هزاران نفری که به دلیل شرایط رنج آوری که سرمایه داران و رژیم حافظ منافعشان یعنی جمهوری اسلامی بر اون ها (اعمال کرده) به هر حال اون شرایطی که اینها بر مردم تحمیل کرده اند ، باعث شده که جان خودشان را از دست بدهند ، همگی گواهی بر این واقعیت. بنابراین نباید دلخوش این بود که ولی فقیه ارتجاع یک روزی سر عقل می آید و از تخت سلطنت پائین می آید. در هیچ کجا دیکتاتور ها خودشون و به میل خودشون قدرت را ترک نکرده اند ، این مردم بوده اند که بامبارزات خودشون آنها را به زیر کشیده اند. جمهوری اسلامی هم جدا از این سرنوشتی نخواهد داشت و نداره. باید کارگران و ستمدیدگان کشورمان به خصوص جوانها که در جریان این خیزش اخیر نشان دادند از چه پتانسیل انقلابی بالائی برخوردارند ، دست به دست هم بدهند و در جهت تشکل خودشون گام بردارند و آتش انقلاب را شعله ور کنند. تنها در این حالت که مردم ما امکان خلاصی از شر جمهوری اسلامی این رژیم دار و شکنجه را پیدا خواهند کرد.

پرسشگر: با سپاس مجدد از شما رفیق سنجری عزیز برای وقتی که در اختیار کانال تلگرام بذر های ماندگار قرار دادید. با ایمان به پیروزی راهمان. شاد و پیروز باشید.

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۲۲۶ ، فروردین ماه ۱۳۹۷